

بررسی تاثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی

دکترحبیب صبوری خسروشاهی، استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق
نفیسه توکلی نیا، کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی واحد تهران شرق (نویسنده و عهده‌دار مکاتبات)
nafiseh.tavakoli@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر جامعه ایران شاهد تضادها و اختلافهایی میان والدین و فرزندان شده‌است. این اختلاف‌ها و تضادها در نهایت منجر به پدیده شکاف نسلی شده‌است. این مقاله تلاش کرده است به بررسی رابطه رسانه ملی با میزان شکاف نسلی بپردازد. این تحقیق از این جهت مورد اهمیت قرار دارد که به نقش تلویزیون پرداخته و نشان داده رسانه ملی تا چه اندازه موجب افزایش شکاف نسل‌ها شده و تا چه اندازه موجب کاهش شکاف نسل‌ها گردیده است. در این مقاله از نظریه مانهایم استفاده شده‌است. او جایگاه نسلی را حوزه کسب تجربه می‌داند و افرادی که در زمانی یکسان و فضای فرهنگی - اجتماعی یکسان متولد شده‌اند و وقایع تاریخی مشابهی را تجربه کرده‌اند مرتبط می‌داند، این پژوهش از روش پیمایش و از طریق پرسشنامه در دو دانشگاه آزاد، علوم تحقیقات و تهران شرق و با یک نمونه ۴۱۴ نفری انجام شده‌است. تکنیک‌های آماری استفاده شده شامل جداول فراوانی و شاخصهای مرکزی، استفاده از ضرایب همبستگی و تحلیل واریانس بوده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد به طور کلی شکاف نسلی میان والدین و فرزندان وجود ندارد و نوعی اتفاق نظر میان آنان وجود دارد. لیکن این اتفاق نظر در برخی از حوزه‌ها بیشتر و در برخی از حوزه‌ها کمتر می‌باشد به عبارتی در زمینه نماز خواندن، روزه گرفتن و دوستی دختر و پسر، بیشترین اتفاق نظر و در زمینه دیدار اقوام، نحوه گذران اوقات فراغت و خرید وسایل زندگی کمترین اتفاق نظر وجود داشته است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد فرزندان که تمایل بیشتری به دیدن سریال‌های خارجی داشته‌اند شکاف بیشتری میان آنان و والدینشان وجود داشته است. نتایج این تحقیق حاکی از آنست که رسانه ملی بر شکاف نسلی تاثیر چندانی نداشته است.

واژگان کلیدی: شکاف نسلی، رسانه ملی، مانهایم، جایگاه نسلی، سریال‌های خارجی

مقدمه

شکاف نسلی میان فرزندان از یک سو بعنوان نسل جوان و نماینده ارزش‌های جدید و سوی دیگر والدین بعنوان نسل بزرگسال و نماینده ارزش‌های قدیم مشهود است. بطوریکه این تعارض و تنش بعنوان یک آسیب و عارضه آشکارا خود را در خانواده نمایان می‌کند. رسانه‌ها با عرضه اطلاعات تازه، تعارض ارزشی مخاطبان خود را بویژه میان جوانان افزایش می‌دهند. هنگامی که تعارض‌های ارزشی مربوط به مسائل مختلف از طریق رسانه‌های گروهی مطرح می‌شوند، مخاطبان نیز تمایل می‌یابند موقعیت ارزشی خود را معین و مشخص کنند. این فرایند ممکن است تا حدی منجر به رفتارهای متعارض شود. زیرا افراد با انتخاب‌های مختلف ناسازگار ارزشی روبرو هستند که زمینه را برای تغییر نظام ارزشی و هویت افراد فراهم می‌آورد. ارزیابی ارزش‌ها و انتخاب، فرد را به تفسیر تازه‌ای از عناصر هویت خود می‌رساند. عوامل اجتماعی متعددی بر دور شدن نسل‌ها از یکدیگر و بروز شکاف نسلی تاثیر گذار هستند. در این میان وسایل ارتباط جمعی نقش بارزی ایفا می‌کنند. وسایل ارتباط جمعی با موقعیت و پایگاهی که در جامعه دارند باید حتی الامکان با فعالیتهای خود در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، آموزشی و تفریحی، انتظارات مردم را برآورده و به نیازهای آنان پاسخ دهند. عمده ترین نقشی که وسایل ارتباط جمعی بر عهده دارند، عبارتند از: فرهنگ سازی، آموزش، اطلاع رسانی و ایجاد مشارکت اجتماعی. از جمله پژوهشهایی که درباره نقش وسایل ارتباط جمعی صورت گرفته است، می‌توان به پژوهش دانیل لرنر تحت عنوان "گذر از جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه" اشاره کرد. هدف اصلی از این پژوهش آن بود که نشان دهد، استفاده از وسایل ارتباط جمعی تا چه اندازه می‌تواند نگرش و عقیده مردم را نسبت به توسعه سیاسی و اقتصادی و ملی این کشورها تغییر دهد از نظر لرنر، بر اساس الگوی نوگرایی، حرکت از مرحله سنتی به مرحله گذار و سپس به مرحله جامعه نوین، همواره با تغییر نظام‌های سنتی به نظام‌های نوین و نه بالعکس همراه بوده است. او تفاوت این دو نظام را در این می‌داند که ارتباط بین فردی سنتی، به تقویت نگرشها و آداب سنتی می‌انجامد؛ حال آنکه ارتباط جمعی، مهارتها، نگرشها و رفتارهای تازه را می‌آموزد. بنابراین این رسانه‌های جمعی تقویت کنندگان تحرکند و این امر به این معناست که رسانه‌های جمعی، در برابر مخاطبان فزاینده خود، هم از ظرفیت برقراری ارتباط با "نوع تغییر" و هم از ظرفیت برقراری با امکان تغییر برخوردارند. (دادگران، ۱۳۲: ۱۳۸۵)

بیان مسئله

رسانه‌های جمعی، تلویزیون نقش موثری در جامعه پذیری جوانان ایفا می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد جوانان و نوجوانان بیشترین درصد مشاهده کنندگان تلویزیون را تشکیل می‌دهند. بررسی برنامه‌های تلویزیون نشان می‌دهد که این رسانه در طی سالهای گذشته چه الگوهایی را برای روابط بین نسل‌ها (تفاوتی، توافقی و تعارضی) به مخاطبین خود نمایش داده است و چه الگوهایی را به عنوان ارزش و هنجارهای اجتماعی برای نسل‌ها فرستاده است. به همین دلیل یکی از راههای شناخت انواع روابط بین نسل‌ها، بررسی الگوهایی است که توسط رسانه‌ها برای افراد جامعه فرستاده می‌شود. (ساعی، جعفرزاده پورو جاروندی، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۲۱)

خانواده یکی از مهم ترین و مستحکم ترین نهادهای جامعه به شمار می‌رود. خانواده محلی است که ارزشهای فرزندان در آن شکل می‌گیرد. امروزه خانواده به عنوان امن ترین حریم حیات انسانی کارکرد خود را از دست داده اند. دیوارهای این حریم به روی همه باز شده است. عصری که به نام عصر ارتباطات نام گرفت، تاثیر خود را بر این چهار دیواری گذاشت و آن را از اختیاری بودن محض بیرون آورد. امواج رادیو و تلویزیون و در سالهای اخیر، ماهواره، تلویزیون کابلی، اینترنت، به خانواده‌های گرم و صمیمی سرازیر شدو آنها را با انواع مختلف سلیقه‌ها، فرهنگ‌ها و هنجارها در قالب برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آشنا کرد. (صالحی امیری و رستمی زوارکی، ۱۳۸۹: ۱۳)

بررسی مطالعات تجربی نشان می‌دهد شکاف نسلی متاثر از عوامل گوناگون است. معیدفر و صبوری خسروشاهی به بررسی تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی پرداخته اند. آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیده اند که تعارض،

متاثر از عواملی مانند رشد فردگرایی، گرایش به نوگرایی و نگرش دموکراتیک والدین بوده است. (معیدفر، صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰) پهلوان به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تغییر ارزشهای جوانان با تاکید بر مطالعه شکاف نسلی مازندران پرداخته است. وی در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است گرچه برخی شباهت‌های ارزشی در زمینه ارزشهای کلان (در سطح اجتماعی و ملی) وجود دارد اما در تعدادی از این مقولات و گرایشات ارزشی به ویژه در عرصه شخصی و فردی و یا راههای دستیابی به طبقات ارزشی بین نسل‌ها و عمدتاً در بین جوانان تفاوت معنادار مشاهده شده است. (پهلوان، ۱۳۸۶) تاجیک به بررسی "شکاف نسلی یا گسست نسلی در ایران امروز" پرداخته است. وی معتقد است که در جامعه ایران امروز، علل و عوامل درونی و بیرونی بسیاری دست اندرکار ایجاد، تعمق و گسترش فاصله میان نسل جدید و قدیم هستند. شکاف نسلی عمیق وجود دارد. نتیجه کلی این تحقیق اینست که بین نسل جدید و نسل قدیم تفاوت نسلی جالت آنومیک داشته و در حد شکاف نسلی می‌باشد. (تاجیک، ۱۳۸۷)

ورن بنگستون^۲ (۱۹۷۵) با یک نمونه ۲۰۴۴ نفری به بررسی سه نسل پدر و مادر بزرگ‌ها، پدر و مادرها و جوانان پرداخته است. در تحلیل‌های چند متغیره دو بعد ارزشی را شناسایی کرده است: ارزش‌های انسان‌گرایانه در مقابل ارزش‌های مادی‌گرایانه و فردگرایی در برابر جمع‌گرایی. به اعتقاد بنگستون دامنه انتخاب‌های افراد در قضاوت‌های ارزشی میان نسل‌ها و ارزش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه متفاوت است. بنگستون با استفاده از نظریه اجتماعی نقش جامعه‌پذیری ارزشی در ثبات و تغییرات اجتماعی، به پایداری و عدم پایداری ارزش‌های نسلی می‌پردازد. به اعتقاد او خانواده بطور معمول مهم‌ترین مکانیسم در جامعه‌پذیری ارزش‌ها می‌باشد. لیکن از نظر او نفوذ گروه همسالان و همکلاسی‌ها در خارج از خانواده نظیر مدرسه و یا وقایع تاریخی و اجتماعی به شیوه بی‌خاص در جامعه‌پذیری جوانان بعنوان عوامل دیگر تعیین‌کننده گرایشات ارزشی موثر هستند (بنگستون ۱۹۷۵: ۳۵۸).

کاوالی^۳ (۲۰۰۴) به بررسی نظری مفهوم نسل و گرایش‌های ارزشی پرداخته است. او در مقاله خود به کاربرد مفهوم نسل از منظر تاریخی و علوم اجتماعی توجه کرده است. با پیروی از رویکرد نسلی مانهایم، نسل‌ها را متاثر از تاثیرات مختلف تحولات فرهنگی و اجتماعی بر روی گروه‌های سنی هم‌دوره می‌داند. وی همچنین در این مقاله، مفهوم وقایع مهم را در زندگی اشخاص در پرتو روانشناسی اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد. (کاوالی، ۲۰۰۴)

رنک و همکاران^۴ (۲۰۰۵) به بررسی تفاوت‌های سنی و جنسیتی در مباحث مورد مناقشه جوانان و والدین آنان می‌پردازند. آنان با یک نمونه ۱۳۹ نفری به روش مداخله بالینی، حوزه‌ها و زمینه‌های تعارض را میان والدین و فرزندان به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار داده‌اند و نهایتاً مباحث تعارض را در زمینه‌های رجحان‌های فردی و نحوه پوشش، استقلال فرزندان و حریم خصوصی، گروه همسالان و رابطه با جنس مخالف، تعارض در رابطه با تکالیف درسی و مدرسه، تعارض در مسایل رفتاری نظیر مسائل بهداشتی، تعارض در مسئولیت‌ها و مقررات خانه، ارزش‌ها، روابط درون خانوادگی و همچنین دارایی و تعلق وسایل شخصی مقوله‌بندی و مورد سنجش قرار داده‌اند. آنان معتقدند میان ترکیب سنی و جنسی والدین و فرزندان و زمینه‌های تعارض تفاوت معناداری وجود دارد.

ادبیات تجربی شکاف نسلی که برخی معتقد به وجود شکاف نسلی هستند و برخی چندان اعتقادی به شکاف نسلی ندارند. این مقاله در نظر دارد به نقش رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی بپردازد و نشان دهد میزان شکاف نسلی میان والدین و فرزندان چقدر است؟ و همچنین رسانه ملی تا چه اندازه موجب شکاف نسلی میان والدین و فرزندان گردیده است؟

مبانی نظری

مفهوم نسل از جمله مفاهیمی است که نظریه پردازان اتفاق نظر ندارند. هیوز معنای نسل را بسیار کشدار می‌داند وی معتقد است بعضی از نسل‌ها عمر طولانی و برخی عمری کوتاه دارند. وی می‌گوید فقط با مشاهده می‌توانیم دریابیم که

² Bengston

³ cavali

⁴ Renk & et al

در کدام نقطه منحنی تغییر جهت می‌دهد. پیداست که نسل‌ها هم باهم تداخل می‌کنند و هر حدی که برای هر یک تعیین شود، اعتباری و دل به خواه است، در عین حال هر نسل برپایه تجربیاتی که افرادش در آن شریک بوده‌اند حد و مرزی از خود به دست می‌دهد و در واقع خوشه‌ای حول محور اینگونه تجربه‌ها تشکیل می‌شود. (هیوزبه نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰) مانهایم سه بعد را برای نسل تشخیص می‌دهد: ۱- جایگاه نسلی ۲- نسل به مانند یک واقعیت ۳- واحد نسلی. جایگاه نسلی، تعیین کننده حوزه کسب تجربه است و با افرادی که در دوره زمانی و فضای اجتماعی - فرهنگی یکسان متولد شده‌اند، کسانیکه مقدار مشترکی از وقایع تاریخی را تجربه می‌نمایند، مرتبط می‌باشد.

نسل به عنوان یک واقعیت به باز تشخیص تجربیات مشترک افرادی که در فضای تاریخی و فرهنگی متولد شده‌اند، یعنی کسانیکه احساس می‌کنند با معاصرینشان مرتبط هستند؛ بستگی دارد، چراکه به لحاظ تاریخی سرنوشت مشترکی دارند. بنابراین یک نسل به عنوان یک واقعیت فقط شامل افرادی که به لحاظ تاریخی هم‌دوره هستند، می‌شود. (Diepstvaten et al, 1999)

مانهایم به عنوان آغازگر مباحث نظری نسل شناخته شده‌است. مرکزی ترین عنصر بحث مانهایم "واحد نسلی" می‌باشد که به معنای گروه سنی - زیستی در نظر گرفته شده‌است و دارای چندین ویژگی است:

۱- وجود محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی است. این موقعیت تعیین کننده حوزه کسب تجربه ممکن با توجه به شرایط است.

۲- سرنوشت مشترک و علاقه‌هایی بر اساس طبقه اقتصادی - اجتماعی دارند.

۳- دارنده هویت واحد بر اساس تجربه مشترک هستند. (چیت ساز قمی، ۱۳۸۶: ۸۹)

مانهایم از "برخورد تازه" در اثر شکل‌گیری نیروی در گذر زمان به جوانی که به باز بینی فرهنگی می‌پردازد یاد می‌کند. با وجود اینکه او این حرکت‌ها و برخوردها را که به صورت موج نشان داده می‌شود با نسل معین می‌کند ولی افرادی که در درون نسل‌ها موجودند دارای دیدگاه مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند از افرادی که این وضعیت را ندارند متمایز کرده و از آنها به عنوان واحدهای نسلی یاد می‌کند. (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۰)

مانهایم در مقاله معروف "مساله جامعه شناختی نسل‌ها" پیدایش نسل اجتماعی را با تغییر اجتماعی و سرعت آن مرتبط می‌داند و معتقد است جایی که حوادث تازه کمیاب و تغییر کند است، اساسا یک نسل مجزا، ظاهر نمی‌شود بلکه فقط هنگامیکه در جایی چنین حوادثی زیاد و سریع رخ می‌دهند، به طوریکه یک گروه نسلی بر حسب آگاهی تاریخی - اجتماعی خود متمایز می‌شوند از یک نسل حقیقی می‌توان سخن گفت. (مانهایم، ۱۳۸۰: ۴۷۷) نسل به عنوان یک واقعیت به باز تشخیص تجربیات افرادی که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند، کسانی که احساس می‌کنند با معاصرانشان مرتبط هستند بستگی دارد. چراکه به لحاظ تاریخی سرنوشت مشترکی دارند. بنابراین یک نسل به عنوان واقعیت فقط شامل افرادی که به لحاظ تاریخی هم‌دوره هستند می‌شود. (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۰) مانهایم معتقد است همیشه نسل‌های جدید آغاز گر خود آگاهی ریشه‌ای و متمایز از نسل‌های پیشین نیستند، بلکه برعکس پدیده گسست نسلی عمدتا در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود. در چنین دورانی است که دسته‌های نسبتا بزرگی از افراد به عنوان عاملان تغییر اجتماعی تند، با تفسیرهای سنتی به چالش برخاسته و تفسیرهای جایگزین را مطرح می‌سازند. اعضای این دسته‌ها هم در برابر نسل‌های پیشین و میراث‌های فرهنگی، هنجاری عرضه شده از سوی آنان و هم در برابر اعضای از نسل خودشان که خود را وامدار نسل پیشین می‌دانند، می‌ایستند. بنابراین بر اساس نظر مانهایم تغییر اجتماعی رخ داده در بخش مهمی از نسل جوان تر موجب امتناع، مخالفت و تغییر میراث فرهنگی ایجاد شده از نسل‌های کهن تر و پذیرفته شده از سوی بسیاری از معاصران آنان می‌شود. (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۹) می‌توان گفت مانهایم، دورانی از تغییرات سریع فرهنگی را علت پدیده شکاف نسلی می‌داند که در پی آن تفسیرهای سنتی و میراث‌های فرهنگی بر جای مانده از نسل‌های قبلی، از سوی بخش مهمی از نسل‌های جدید به چالش کشیده می‌شود. البته به نظر مانهایم، بنیان اصلی و پیشگامان این تحول فرهنگی افرادی انگشت شمار از نسل پیشین به نام

طلایه دارانند. اما مهم آنست که عوامل تغییر اجتماعی، نسل جدیدی اند که تحت تاثیر طلایه داران از نسل قبلی اند و هم در مقابل نسل قبل و هم در برابر هم نسلی های خود که تابع نسل قبلی اند خروج می کنند (همان، ۲۳-۲۴) مارگارت مید، علت ایجاد فاصله نسلی را تغییرات اجتماعی وسیع و عمیقی می داند که در دنیا اتفاق افتاده و دنیا را وارد مرحله جدیدی از تحول و دگرگونی کرده است. مید در بحث شکاف نسلی سه نوع جامعه را از هم تفکیک می کند:

۱- جامعه ای که در آن فرهنگ قبلی تعیین کننده ماهیت فرهنگ بعدی است و نسل قبل الگوی تمام نمای زندگی و فرهنگ نسل بعدی است وی این نوع جامعه را *postfigurative culture* (فرهنگ پسا تمثیلی) می نامد. در این جوامع، دگرگونی آنقدر کند است که هر فرزندی که متولد می شود، آینده خود را به طور کامل در وضعیت حال والدین خود و والدین بزرگ خود می بیند و می داند که زندگی و وضعی مشابه آنها در انتظار اوست. (تاجیک، ۱۳۸۶: ۵۰)

۲- در جوامعی که دچار تغییر و تحول می شوند، شرایط اجتماعی به طوری دگرگون می شود که دیگر نسل گذشته الگوی مناسب برای زندگی نسل بعدی نمی تواند باشد و هر دو نسل می پذیرند که وضع زندگی آنان نمی تواند مشابه هم باشد به عبارت دیگر، هریک از دو نسل والدین و فرزندان به ناچار در دو دنیای متفاوت زندگی می کنند. در چنین وضعی، انتقال فرهنگی از نسل قبل به نسل بعد بسیار ناقص صورت می پذیرد و فرهنگ قبل نمی تواند عینا ادامه یابد و پاسخگوی نیازهای نسل بعد باشد. در این حالت، نسل جدید برای یادگیری سبک زندگی و وضع مناسب حال و آینده خود، به اعضای دیگر هم نسل خود رو می آورد و آنرا الگوی زندگی خود قرار می دهد. مارگارت مید این نوع جوامع را *cofigurative culture* (فرهنگ هم تمثیلی) می نامد. (همان منبع)

۳- وضعیتی است که در جامعه دگرگونی های بسیار شدیدی روی می دهد، بطوریکه نسل گذشته در وضع جدید نه تنها نمی تواند الگوی نسل جدید باشد، بلکه باید برای تداوم حیات خود ارزشها و هنجارهای قدیمی خود را بر مبنای نسل بعد اصلاح کند، دست به اجتماعی شدن مجدد بزند و بسیاری از چیزها را از فرزندان خود بیاموزد. نسل جدید نیز، وضع آینده خود را نمی تواند در جایی و کسی بیابد و آنرا الگوی خود قرار دهد. این نسل خود باید وارد دنیای مبهمی شود که وضع آینده آن روشن نیست و نهادهای موجود نمی توانند پاسخگوی نیازهای وضعیت متغیر باشند؛ بنابراین، نسل جدید هم حال و هم گذشته را محکوم و رها می کند و به دنبال ساختن دنیای جدید خویش است. مارگارت مید این وضعیت را *prefigurative culture* (فرهنگ پیشا تمثیلی) می نامد. (همان منبع)

براساس نظریات مطرح شده در مورد نسل، به نظر می رسد مانهایم تعریف دقیق تری از نسل ارائه داده است. بیشترین توجه مانهایم به بحث "واحد نسلی" است. وی افراد یک نسل را دارای سرنوشت و علایق مشترک، تجربه مشترک و همچنین مکان مشترک میدانند.

رابطه میان رسانه و شکاف

نهاد خانواده یکی از مهمترین و مستحکم ترین نهادهای اجتماعی به شمار می آید که عوامل متعدد درونی و بیرونی نقش به سزایی در شکل گیری آن ایفا می کند. یکی از این عوامل مهم، رسانه ها هستند. رسانه ها در دگرگونی روابط خانواده ها نقش مهمی ایفا می کنند. رسانه ها با انتقال ارزشها، فرهنگ و هنجارهای جامعه خود و حتی دیگر جوامع، موجب تعارض و اختلاف در درون خانواده می شوند. چون رسانه در جامعه در دست طبقه ای خاص قرار دارد و آن طبقه سعی در اشاعه ارزشها و هنجارهای مربوط به خود هستند که با ارزشها و نگرشهای عموم مردم در تضاد قرار دارد به همین علت پدیده شکاف نسلی ایجاد می گردد. در این میان تلویزیون، به دلیل چند حسی بودن و فراگیر بودن نسبت به سایر رسانه ها نقش مهمی در خانواده ایفا می کند. تلویزیون اشاعه دهنده ارزشها و هنجارهای سنتی به جوامع می باشد و تقویت کننده الگوها و هنجارهای سنتی است لذا انتقال این ارزشها و هنجارها از سوی تلویزیون مورد توافق بسیاری از والدین می باشد و همین امر تضاد میان والدین و فرزندان را شامل می شود زیرا ارزشهای فرزندان که با حضور

رسانه‌های دیگر از جمله ماهواره و اینترنت بیشتر به سمت نوگرایی سوق داده شده‌است با ارزشهای مورد قبول والدین به چالش کشیده می‌شود که این خود موجب تقویت شکاف نسلی در خانواده می‌گردد

چارچوب تحلیل

براساس نظریات مطرح شده پیرامون شکاف نسلی و تکیه بر نظریات دانشمندانی چون مانهایم، که پدیده شکاف نسلی را تفسیرهای سنتی و میراث‌های فرهنگی باقی مانده از نسل پیشین می‌داند که توسط نسل جدید به چالش کشیده می‌شود. وی بنیان اصلی این تغییرات را طلایه داران می‌نامد. وی مارگارت مید که فاصله نسلی ایجاد شده در جامعه را حاصل تحولات عمیق در جامعه می‌داند. وی معتقد است این تحولات عمیق ایجاد شده در جامعه بر روی رشد فرزندان و نحوه تربیت والدین نسبت به فرزندان اثر می‌گذارد و باعث تغییر در رفتار آنها می‌شود او این اختلاف را فاصله نسلی می‌نامد. مید در بحث شکاف نسلی سه جامعه را از هم تفکیک می‌کند، اول، جامعه‌ای که دگرگونی در آن کند است و فرزندان، فرهنگ‌ها و ارزشهای حاکم بر نسل والدین را می‌پذیرند و آنها را آینه تمام نمای خود می‌دانند.

دوم، جامعه‌ای که دچار تغییر و تحول می‌شوند. در این جوامع، دیگر نسل قبلی (والدین) نمی‌تواند الگوی مناسبی برای نسل جدید باشد و نسل جدید برای اینکه خود را با شرایط جامعه و تغییرات جدید منطبق سازد به اعضای هم نسل خود روی می‌آورد و آنها را برای خود الگو قرار می‌دهد.

سوم، جامعه‌ای که دگرگونی‌های شدیدی در آن رخ داده، در این جوامع، نسل پیشین نمی‌تواند الگوی نسل جدید باشند بلکه برای تداوم حیات خود باید نگرشها و ارزشهای حاکم بر زمان خود را اصلاح کنند و ارزشها و هنجارهای جدید را بپذیرند و بسیاری از چیزها را از فرزندان خود بیاموزند، نسل جدید نه وضع موجود را می‌پذیرد و نه باورهای نسل پیشین را باور دارد. او در واقع به دنبال ساختن دنیای جدید برای خود است.

می‌توان بیان کرد، با توجه به این دگرگونی‌ها و تحولات اگر رسانه‌های جمعی وارد جامعه شوند تحول جدیدی را بوجود می‌آورند و حتی منجر به فاصله نسلی بیشتری می‌شوند. چون الگوهای ارائه شده توسط رسانه‌های جمعی با ارزشهای حاکم میان والدین سازگار نیست (خصوصاً ماهواره، که با تبلیغات غرب آغشته شده) و همین امر تعارض، میان والدین و فرزندان بوجود می‌آورد زیرا نسل جدید خواهان تغییرات تازه هستند و ارزشها و هنجارهای خود را منطبق بر ارزشها و هنجارهای ارائه شده توسط رسانه‌ها می‌دانند و همین امر موجب اختلاف و تضاد میان والدین و فرزندان می‌شود. در این میان دو اتفاق می‌افتد، یا والدین بنا به گفته مید تغییرات را می‌پذیرند و ارزشها و هنجارهای خود را با آنها هماهنگ می‌سازند و یا اینکه، هم تغییرات را نمی‌پذیرند و هم دوست ندارند فرزندانشان به سمت این تحولات جدید گرایش پیدا کنند، بر همین اساس شکاف نسلی بوجود می‌آید. لذا به نظر می‌رسد رسانه‌ها، خصوصاً رسانه‌های جدید (ماهواره و اینترنت و...) بر روی پدیده شکاف نسلی تاثیر گذار باشد و همچنین ارزشهای میان والدین و فرزندان بر ایجاد پدیده شکاف نسلی موثر می‌باشد، زیرا هرکدام از این دو نسل در پی اقتناع نسل دیگر هستند و ارزشها و هنجارهای مورد نظر خود را درست می‌دانند. نسل پیشین ارزشهای سنتی خود را باور دارد و معتقد است ورود رسانه‌های جدید، ارزشهای سنتی آنها را به چالش کشیده است. نسل جدید هم با تغییرات پیش می‌رود و ارزشها و هنجارهای آنان بیشتر به سمت نوگرایی و جهانی شدن گرایش دارد و نسل والدین خود را نسلی "در خود مانده" می‌داند که خواهان تغییرات جدید نیستند. از طرفی می‌توان گفت در جامعه ایران هنوز خانواده‌هایی هستند که پایبند به ارزشها و هنجارهای سنتی خود می‌باشند و این ارزشها و هنجارها را به نسل جدید نیز منتقل می‌کنند و نسل جدید هم این ارزشها را می‌پذیرد، زیرا همانند گفته مید، آنها وضعیت آینده خود را در وضعیت حال والدین خود می‌بینند و آن را می‌پذیرند. به نظر می‌رسد تلویزیون در بین وسایل ارتباط جمعی از ارزش بالایی در میان خانواده‌ها برخوردار است در این میان والدین از رسانه ملی بیشتر از سایر رسانه‌ها استفاده می‌کنند، زیرا با ارزشها و هنجارهای سنتی آنها مطابقت دارد.

روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل دانشجویان^۵ دانشگاه آزاد واحد تهران شرق و دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات می باشد، که در رده سنی ۱۷ تا ۲۹ سال در نظر گرفته شده است. حجم نمونه، در این تحقیق ۴۱۴ نفر انتخاب شده اند. شیوه انتخاب نمونه بصورت تصادفی در این دو دانشگاه بوده است. ابتدا دانشکده تعیین سپس از هر دانشکده، تعدادی کلاس انتخاب و دانشجویان بصورت تصادفی مورد مصاحبه قرار گرفته اند. برای جمع آوری داده های این تحقیق از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. سوالات پرسشنامه شامل طیف های مدرج، بسته. چندگزینه ای بوده است. برای این منظور پس از تهیه پرسشنامه و بررسی روایی آن پرسشنامه به تعداد ۲۰ مورد تکثیر و آزمون مقدماتی تهیه گردید. سپس پس از اصلاحات، پرسشنامه نهایی آماده شد و بوسیله آن کار جمع آوری داده ها انجام شده است. در مرحله بعد با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

تعریف عملیاتی شکاف نسلی: ساده ترین تعریفی که از شکاف نسلی می توانیم ارائه دهیم اختلاف ارزشها و باورهای میان والدین و فرزندان می باشد. تفاوت و تعارضهایی که میان والدین و فرزندان وجود دارد منجر به نزاع لفظی و جرو بحث گردیده است. نظیر: رعایت حجاب، خواندن نماز، معاشرت با جنس مخالف، مد می باشد. برای سنجش شکاف نسلی از طیف لیکرت استفاده شده است.

تعریف عملیاتی رسانه ملی: در مورد رسانه ملی می توان دو نوع تعریف ارائه داد.
میزان استفاده از رسانه ملی: نگاه کردن به تلویزیون در طول شبانه روز به طور متوسط
نوع استفاده از رسانه ملی: تماشای سریال های ایرانی و خارجی

- مشخصات پاسخگویان

به لحاظ ترکیب سنی از مجموع ۴۱۴ نفر پاسخگو، ۶۵/۷ درصد زن و ۳۳/۸ درصد مرد بوده اند. میانگین سنی پاسخگویان بین ۲۱ تا ۲۴ سال بوده است. حداقل سن، ۱۷ و حداکثر ۲۹ سال می باشد. همچنین میانگین سنی پدر و مادر بین ۴۱ تا ۵۰ سال می باشد.

شکاف نسلی میان والدین و فرزندان

جدول ذیل به بررسی میزان شکاف نسلی میان والدین و فرزندان پرداخته است
گویه های جدول زیر نشان می دهد میان والدین و فرزندان تعارض کمی وجود دارد. در واقع یافته ها نمایانگر این است که نوعی اتفاق نظر میان والدین و فرزندان وجود دارد. لیکن این اتفاق نظر در میان گویه ها به یک اندازه نمی باشد. فرزندان و والدین پیرامون روزه گرفتن، نماز خواندن و دوستی دختر و پسر، بیشترین وفاق را در میان گویه ها داشته اند و کمترین وفاق در میان به دیدار اقوام رفتن، نحوه گردش و تفریح و خرید وسایل زندگی می باشد. البته این مقدار بحرانی نیست. در مجموع می توان گفت شکاف اندکی میان والدین و فرزندان در حوزه های مطروحه می باشد و نوعی اتفاق نظر در این تحقیق مشاهده شده است.

^۵ در این تحقیق چون محقق فقط به یک نسل دسترسی داشت (دانشجویان) لذا سوالات مربوط به نسل دیگر (والدین) از همان نسل (دانشجویان) پرسیده شد.

جدول ۱ میزان توزیع درصد اختلاف نظرهای والدین و فرزندان (تعداد نمونه ۴۱۴)

گویه ها	زیاد	متوسط	کم
۱- تا چه اندازه با والدین خود به دلیل استفاده از لباسهای مد روز جر و بحث کرده اید	۵/۸	۱۲/۶	۸۱/۴
۲- تا به حال با والدین خود به خاطر رعایت کامل حجاب جر و بحث کرده اید	۷	۱۰/۶	۸۱/۲
۳- تا چه اندازه با والدین خود به خاطر نماز خواندن جر و بحث کرده اید	۴/۴	۱۰/۹	۸۴/۵
۴- تا چه اندازه با والدین خود به خاطر روزه گرفتن جر و بحث کرده اید	۲/۷	۵/۱	۹۲/۲
۵- تا به حال با والدین خود به خاطر دوستی دختر و پسر جر و بحث کرده اید	۵/۶	۱۰/۹	۸۳/۴
۶- تا چه اندازه با والدین خود در مورد به دیدار اقوام رفتن اختلاف نظر دارید	۱۳/۸	۲۴/۴	۶۱/۶
۷- تا چه اندازه در زمینه محل مسافرت با والدین خود اختلاف نظر دارید	۷/۲	۲۰/۳	۷۲/۳
۸- تا چه اندازه در خرید وسایل زندگی مورد علاقه تان با خانواده تان اختلاف نظر دارید	۱۲/۳	۱۸/۱	۶۹/۱
۹- تا چه اندازه در نحوه گردش و تفریح کردن با خانواده تان اختلاف نظر دارید	۱۲/۱	۲۲/۷	۶۵/۳

شاخص مرکزی و پراکندگی متغیر شکاف نسلی

جدول ذیل، توزیع شاخص‌های مرکزی و پراکندگی شکاف نسلی را ارائه کرده است. با توجه به حداقل نمره شاخص ۹ و حداکثر ۴۰ بیانگر این است که میزان شکاف چندان نمی‌باشد. در واقع میانگین شکاف نسلی نشان می‌دهد اختلاف و تعارض والدین و فرزندان چندان زیاد نیست.

جدول ۳ آماره‌های مرکزی و پراکندگی متغیر شکاف نسلی

شاخص	تعداد گویه حداقل حداکثر میانگین میان نما انحراف معیار تعداد موارد
شکاف نسلی	۴۰۶ ۵/۶ ۱۵ ۱۶/۵ ۴۰ ۹ ۹

رسانه ملی

جدول ذیل توزیع فراوانی تلویزیون را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد بیشترین افراد بین ۶۱ تا ۱۲۰ دقیقه در یک روز تلویزیون تماشا می‌کنند.

جدول ۴ توزیع فراوانی تلویزیون

طبقات (دقیقه) فراوانی درصد	
۷۵ ۶۰-۰	۱۸/۱
۱۱۵ ۱۲۰-۶۱	۲۷/۸
۷۰ ۱۸۰-۱۲۱	۱۶/۹
۵۹ ۲۴۰-۱۸۱	۱۴/۳
۲۲/۷ ۹۴ + ۲۴۱	
بی‌پاسخ ۱ ۰/۳	
جمع ۱۰۰ ۴۱۴	

شاخص مرکزی و پراکندگی متغیر رسانه ملی

جدول زیر شاخص‌های تمرکز و پراکندگی توزیع متغیر رسانه ملی تحقیق را نشان می‌دهد. برای متغیر تلویزیون حداقل ۰ و حداکثر ۷۲۰ دقیقه و میانگین آن ۲۰۲ با انحراف معیار ۱۴۱ بدست آمده است. میانگین این متغیر نشان می‌دهد دانشجویان بطور متوسط ۲۰۲ دقیقه در یک روز تلویزیون تماشا می‌کنند.

جدول ۵ آماره‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای مربوط به رسانه ها

مشخصه‌های آماری	حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	تعداد موارد
تلویزیون (دقیقه) در روز	۰	۷۲۰	۲۰۲	۱۸۰	۱۲۰	۱۴۱	۳۸۹

- روابط میان متغیرها (آزمون فرضیه ها)

- شکاف نسلی و تماشای تلویزیون

فرضیه ۱: بین تماشای تلویزیون و شکاف نسلی رابطه معنادار وجود دارد.

تفسیر: بین تماشای تلویزیون و شکاف نسلی رابطه معنادار وجود ندارد و این رابطه قابل تعمیم به جمعیت آماری نمی‌باشد.

جدول ۲۱-۴ رابطه میان شکاف نسلی و تماشای تلویزیون

پیرسون	-۰/۰۷۷
سطح معناداری	۰/۰۶۷
حجم نمونه	۳۸۳

- شکاف نسلی و نوع سریال مورد تماشای فرزندان

جدول زیر نشان می‌دهد بین تماشای سریال ایرانی و خارجی و شکاف نسلی میان والدین و فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و این رابطه قابل تعمیم به جمعیت آماری می‌باشد. در واقع این جدول نشان می‌دهد فرزندی که تمايل بیشتری به دیدن سریال‌های خارجی داشته‌اند شکاف بیشتری میان آنان و والدینشان وجود داشته است.

جدول ۶ شکاف نسلی بر حسب نوع سریال (n=۳۸۰)

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	تعداد موارد	میانگین	آزمون	سطح معناداری
شکاف نسلی	نوع سریال مورد تماشای فرزندان	ایرانی	۲۰۷	۱۵/۹	۵/۸	۰/۰۱۷
		خارجی	۱۷۳	۱۷/۳		

شکاف نسلی و نوع سریال مورد تماشای والدین

بین تماشای سریال ایرانی و خارجی والدین و شکاف نسلی میان والدین و فرزندان رابطه معنادار وجود ندارد و این رابطه قابل تعمیم به جمعیت آماری نمی‌باشد. میزان رابطه ۰/۱۶۳ می‌باشد.

نتیجه گیری:

این مقاله تلاش کرده است به دو سوال پاسخ دهد.

۱- میزان شکاف نسلی میان والدین و فرزندان چقدر است؟

۲- تا چه اندازه رسانه ملی موجب شکاف نسلی میان والدین و فرزندان شده‌است؟

در این تحقیق ابتدا مفهوم نسل تعریف و سپس شکاف نسلی بررسی گردید. شکاف نسلی، در واقع اختلاف ارزشها و باورهای میان والدین و فرزندان می‌باشد. بر اساس نظریه مانهایم، شکاف نسلی در دورانی که تغییرات سریع فرهنگی رخ می‌دهد بوجود می‌آید. وی معتقد است میراث فرهنگی و آداب و رسوم به جا مانده از نسل پیشین برای بسیاری از افراد نسل جدید قابل قبول نیست و توسط آنها به چالش کشیده می‌شود. وی پیشگامان اصلی این چالش را طلایه داران می‌داند. طلایه داران کسانی هستند که از نسل قبل به جامانده‌اند و نسل جدید تحت تاثیر طلایه داران نسل قبلی‌اند و هم در مقابل نسل قبل و هم در برابر هم نسلی‌های خود که تابع نسل قبلی‌اند خروج می‌کنند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد میان والدین و فرزندان چندان شکاف نسلی وجود نداشته است. در واقع می‌توان گفت نوعی اتفاق نظر میان والدین و فرزندان وجود دارد لیکن این اتفاق نظر در برخی از حوزه‌ها بیشتر و در برخی از حوزه‌ها کمتر می‌باشد. به عبارتی در زمینه نماز خواندن، روزه گرفتن و دوستی دختر با پسر، بیشترین اتفاق نظر و در زمینه دیدار اقوام، نحوه گذران اوقات فراغت و خرید وسایل زندگی کمترین اتفاق نظر وجود داشته است. همچنین نتایج نشان داد افراد بین ۱ تا ۲ ساعت در یک روز تلویزیون تماشا می‌کنند همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد بین میزان استفاده از رسانه ملی و شکاف نسلی رابطه معنادار وجود ندارد اما شکاف نسلی با نوع استفاده از رسانه ملی رابطه دارد و نشان می‌دهد فرزندی که تمایل بیشتری به دیدن سریال‌های خارجی داشته‌اند شکاف بیشتری میان آنان و والدینشان وجود داشته است. در کل می‌توان نتیجه گرفت رسانه ملی تاثیر چندانی در شکاف میان والدین و فرزندان نداشته است.

فهرست منابع :

- آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۶، «جامعه شناسی نسلی در ایران»، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- پهلوان، منوچهر، ۱۳۸۶ «بررسی عوامل اجتماعی موثر در تغییر ارزشهای جوانان»، تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات
- تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۷، «شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- چیت ساز قمی، محمد جواد، ۱۳۸۶، «جوانان و مناسبات نسلی»، سال اول
- دادگران، سید محمد، ۱۳۸۵، «مبانی ارتباطات جمعی»، فیروزه، تهران، چاپ دهم
- ساعی، منصور، جعفر زاده پور، فروزنده و جاروندی، رضا، ۱۳۸۸، «الگوهای قدرت در روابط بین نسلی، بازنمایی سریال‌های ایرانی تلویزیون، مطالعه شبکه‌های ۱ و ۳»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم
- صالحی امیری، سیدرضا و رستمی زوارکی، تیمور، ۱۳۸۹، «بررسی تحولات بنیادین فرهنگی در دهه اخیر و تاثیر آن بر بنیان خانواده‌های شهری»، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۷۴
- مانهایم، کارل، ۱۳۸۰، «ایدئولوژی و اتوپیا»، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: سمت
- معیدفر، سعید، ۱۳۸۳، «شکاف یا گسست فرهنگی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴
- معیدفر، سعید، خسروشاهی، حبیب، ۱۳۹۰، «تعارض فرزندان با والدیندر سبک زندگی»، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۷، سال سوم، دانشگاه علامه طباطبایی
- یوسفی، نریمان، ۱۳۸۳، «شکاف بین نسل ها، بررسی نظری و تجربی»، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

- Bengston Vern L. & Robetrts E.L. (1999): **Intergenerational Solidarity in aging Faimilies**, An Example of Formal Theory Construcyion. Jouinal of Marriage and the Family , Vol 53, No 4.
- Diepstvaten, Isabelle and Ester, Peter et al; **talking about me generation, ego and alter. Images of generations in the Nether lands**, netherlanra's journal of social sciences, 1999,55,pp.91-109.
- Cavalli Alessandro 2004: **Generation and Value Orientations**, Social Compass vol 51 (2), 155-168.
- Bengston Vern L. & Robetrts E.L. (1999): **Intergenerational Solidarity in aging Faimilies**, An Example of Formal Theory Construcyion. Jouinal of Marriage and the Family , Vol 53, No 4.
- Renk K. & et al 2007: **Gender and Age Differences in the Topics of Parent-Adolescent Conflict**, The Family Journal , Counseling and Theapy for Couples and Families, Vol 13 No 2, April 2005 139-149